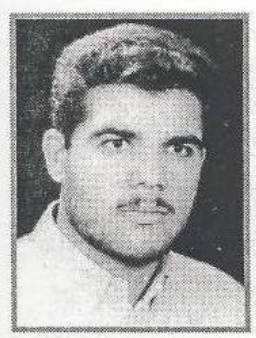




درباره

تحفة الملوك

(به بهانه تصحیح و چاپ مجدد)



*
علی اکبر احمدی دارانی

جا به وجود آمده است. به این مطلب باید افزوده شود که بعید است کسی که در چند عبارت جلوتر خود را «بیچاره ضعیف نحیف» و «بیچاره خاطی و جافی» می نامد، «چنان فرموده است» را به خود نسبت دهد. نکته دیگر راجع به این بخش از مقدمه، اشاره مصنف به جمع آوری وی «از هر کتابی از کتابهای موعظه و نصایح» است. امروزه به راحتی و شاید بهتر بگویم به سختی هم نمی توان مراجع دقیق تحفة الملوك را یافت. شباهتهای مختصری بین این کتاب و سند بادنامه ظهیری سمرقندی نشان داده شده است.^۱ استاد همایی در مقدمه نصیحة الملوك غزالی از همسانی برخی از بخشهای تحفة الملوك و نصیحة الملوك سخن به میان آورده است و احتمال داده اند که شاید در میان این دو کتاب «انتحالی» صورت گرفته باشد.^۲

به نظر می رسد کتابهایی مانند تحفة الملوك، سند بادنامه، نصیحة الملوك و... از منابع کهن تری مایه گرفته باشند و اگر شباهتهایی در بین آنها یافت می شود، مربوط به همان بهره گیری از منابع کهن است. چندی پیش دکتر نصرالله پورجوادی مقاله ای نگاشت با عنوان «غزالی و مآخذ صوفیانه او»^۳. در آن مقاله، دشواری پیدا کردن مآخذ نوشته های ابو حامد غزالی را این چنین برشمرده شده است: «یکی از عواملی که پیدا کردن مآخذ ابو حامد را برای ما دشوار می سازد، این است که به قول لازاروس، غزالی، بسیار ماهرانه مطالب را از کتابهای دیگران برداشته و با مطالب خود پیوند داده است. دلیل دیگر این است که ما همه

در حدود اواخر قرن ششم و اوایل هفتم، شخصی به نام علی بن ابی حفص بن فقیه محمود الاصفهانی، کتابی در آداب و اخلاق و پند و اندرز فراهم آورد و آن را تحفة الملوك نام نهاد. تنها در مقدمه یکی از دستنوشته های این کتاب چند سطر راجع به مصنف و انگیزه و روش کار اینگونه آمده است:

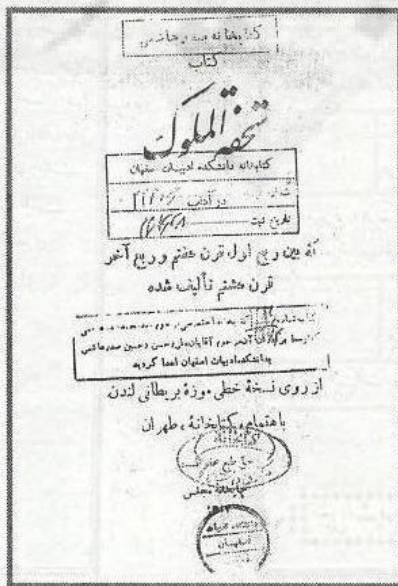
«اما بعد بدانک مصنف این کتاب، علی بن ابی حفص بن فقیه محمود الاصفهانی رحمة الله علیه رحمة واسعة چنان فرموده است که بزرگان ماضی و امرای ما تقدم و ملوک آن عصر از من بیچاره ضعیف نحیف در باب نصایح و آداب همه چیز ترتیب کرده اید [؟] و چون ارباب فضایل و دانش و بزرگان از سلاطین و امرا چنین رساله غریب و عجیب التماس کردند، این بیچاره خاطی و جافی از کتابهای موعظه و نصایح بود از بزرگان دین جمع کردم سخت در غایت خوبی چنانک درین



عصر کسی ندیده بود و نشنیده و در تألیف آوردم و او را تحفة الملوك و نصیحة العجایب [؟] نام نهادم تا هر کسی از اهل دانش این رساله غریب و عجیب را مطالعه کند، او را از آن نصایح، بهره اخروی و دولت دنیوی به حاصل آید.»

از علی بن ابی حفص بن فقیه محمود الاصفهانی همین قدر آگاهی داریم و چون نامش با دعای «رحمة الله علیه...» همراه گردیده چنین می نماید کسی این مقدمه را بعد از وفات وی بازنویسی کرده است و چند افتادگی و لغزش نیز بظاهر از همین

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.



باب دهم	در تربیت وی
باب نهم	در پادشاهی
باب هشتم	در نصیحت
باب هفتم	در موعظه فرزند
باب ششم	در اخلاق
باب پنجم	در عبادت
باب چهارم	در مروت
باب سوم	در آداب
باب دوم	در ستایش
باب اول	در تعریف

صفحه های آغازین نسخه قونیه

بسم الله الرحمن الرحیم
 این کتاب در حدیثی است که از آنجا که سؤالات
 آنجا که در حدیثی است که از آنجا که سؤالات
 آنجا که در حدیثی است که از آنجا که سؤالات
 آنجا که در حدیثی است که از آنجا که سؤالات

در دشمنی و اسباب دشمنی و کیفیت دشمنی کردن. باب هشتم: در نصیحت و موعظه فرزند

مآخذی را که غزالی از آنها استفاده کرده است در اختیار نداریم، تعدادی از آنها یقیناً از بین رفته است، بعضی از آنها هم هنوز به صورت خطی است و چاپ نشده است.^۴ این عوامل در متون دیگر نیز قابل تسری است از جمله در تحفة الملوک مورد نظرم.

به هر روی، یکی از وجوه اهمیت تحفة الملوک در همین جمع آوری‌ها و نظام‌مند کردن موضوعهای کلی اندرزنامه‌های قدیم است، هر چند امروزه از منابع آن بی اطلاع باشیم. تحفة الملوک در دوره‌ای نگاشته شده که دیگر سخنی از اندرزنامه‌های قدیم در میان نبوده است و با چند واسطه مطالب آنها نقل می‌گردیده. «اولین صورت کلی اخلاق سنتی یعنی آنچه در اندرزنامه‌های قدیم آمده است، به دست نویسندگی تهیه شده که متون قدیم را خوب می‌شناخته است و مطالب آنها را به گونه‌ای در چارچوبی مرتب کرده که مهمترین نکات آنها نمایانده شوند... این متن در قرن هفتم /

در تربیت وی، باب نهم: در پادشاهی، باب دهم: در خدمت پادشاهان، باب یازدهم: اندر صبر و شتاب، باب دوازدهم: در نیکی و بدی، باب سیزدهم: در خوی نیک و بد، باب چهاردهم: در نهفته داشتن رازها، باب پانزدهم: در دنیا و حرص دنیا و آز.

مصنّف، هر کدام از این بابها را به گونه‌ای نسبتاً ثابت با یکی از این موضوعهای خاص می‌آغازد و با بهره‌گیری از آیات قرآنی و احادیث پیامبر، مطلب خود را پی می‌گیرد و از سخن

بزرگانی چون علی بن ابی طالب، ابوحنیفه، امام شافعی و یا بزرگمهر، ارستتالیس و... نیز یاری می‌گیرد و یا حکایتهایی کوتاه و اخلاقی را به آنها نسبت می‌دهد و در این بین متناسب با موضوع، اشعاری که درونمایه‌ای اخلاقی دارند، نقل می‌کند که یکی دیگر از وجوه

آغاز و انجام نسخه بریتانیا

سیزدهم تألیف شده است، یعنی زمان انحطاط سنت مجموعه‌های قدیم و لزوم گرفتن پیام آنها. اگر ما خود می‌خواستیم به کمک تفسیر سطحی متون به آنچه در نظر یک اخلاق‌گرا مهم می‌آمده است، پی ببریم، احتمال اشتباهمان زیاد بوده و خوشبختانه نویسندگی این

متن با تهیه صورت کلی اخلاقیات قدیم، راه ما را هموار، و خطا و اشتباه را از ما دور کرده است.^۵

تحفة الملوک یک مقدمه کوتاه در حمد و ستایش خداوند و درود و صلوات بر محمد مصطفی و آل و اصحاب او دارد و سپس پانزده باب که به تمامی در قالب پند و اندرز و آداب و اخلاق ترتیب یافته است. باب اول: در خرد و خصایل خردمند، باب دوم: در ستایش اهل دانش و خصایل مردم دانا، باب سوم: در نادانی و علامت نادانی و مجتنب بودن از نادان، باب چهارم: در سخن گفتن، باب پنجم: در حکمت و امثال و نصیحت، باب ششم: در دوستی و حقوق دوستی، باب هفتم:

خود، دسترسی داشته است. اولین مرتبه‌ای که این کتاب ناشناخته به توسط سرادوار دنیس‌راس معرفی گردید، به خاطر وجود چند بیت از کلیله و دمنه منظوم رودکی در این کتاب بود.^۶ در تصحیح جدید، هشت بیت از کلیله و دمنه منظوم رودکی یافت می‌شود. همچنین پنج بار نام ابوشکور آورده شده که بیتهایی از بحر متقارب (= فعولن) نیز به وی منسوب گردیده است. بنابراین ۱۸۷ بیت منسوب به ابوشکور و به احتمال زیاد از

آفرین نامه وی قابل شناسایی است. پنج بیت از شاهنامه فردوسی نقل گردیده و قطعه شعرهای دیگری که از سرایندگان آنها آگاهی نداریم. مراجعه به کتابهایی که مجموعه شعرهای شاعران آغازین زبان فارسی در آنها گرد آورده شده است، نشان می‌دهد که تحفة الملوک در بسیاری از موارد، قدیم‌ترین و تنهاترین منبع این اشعار گرانبهاست.^۷ نثر تحفة الملوک از نثرهای ساده، روان و استواری است که هنوز در سنگلاخ پیچیدگی الفاظ گرفتار نشده است.

تحفة الملوک یکبار به سال ۱۳۱۷ به توسط سید حسن تقی‌زاده بر اساس نسخه‌ای از موزه بریتانیا به تاریخ ۷۶۱ و نسخه ناقصی که در دارالفنون لیدن نگهداری می‌شود، به چاپ رسید.^۸ اما اکنون بهترین نسخه از میان هفت نسخه در دسترس، نسخه ایاصوفیا است که تاریخ ندارد و به احتمال زیاد از دست‌نوشته‌های قرن هشتم است^۹ که با دقت بسیار نوشته شده و نسخه‌ای که اساس چاپ تقی‌زاده قرار گرفته، در رتبه دوم قرار دارد و نسخه قونیه که افتادگی‌هایی هم دارد، در رده سوم جای می‌گیرد. نسخه‌ای از این کتاب در تملک استاد نفیسی بوده که علی‌رغم افتادگی‌ها، ضبطهای بسیار صحیحی دارد. نسخه‌های دیگری چون نسخه مرحوم نخجوانی، نسخه کتابخانه مجلس شورا و نسخه آستان قدس به هیچ روی قابل اعتماد نیستند.

در فهرست میکروفیلم‌ها به نسخه‌ای با نام دانشنامه اشاره شده که در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود و احتمال داده‌اند که با تحفة الملوک معهود یکی است.^{۱۰} در حالی که هیچ‌گونه ارتباطی در میان این دو کتاب یافت نمی‌شود. همچنین میکروفیلمی با نام تحفة الملوک در کتابخانه مینوی وجود دارد که مرحوم مینوی از کتابخانه واتیکان فراهم آورده، آن کتاب نیز فقط در نام با کتاب مورد نظر، شباهت دارد و لاغیر.

در پایان بیشتر نسخه‌های تحفة الملوک دو حکایت نقل گردیده‌اند که تناسبی با کل کتاب ندارند و از لحاظ سبکی نیز بسیار متفاوت از متن کتاب هستند. حکایت اول، حکایت اسکندر و شرح درگذشت وی، و دیگر حکایت کیخسرو و ظهور سلیمان و کناره‌گیری کیخسرو از سلطنت. در پایان این دو حکایت، به ترتیب ۱۵ و ۹ بیت ضبط شده است که در مقایسه با اشعار استوار متن کتاب، بسیار سست‌اند. ژیلبرلازار

به اشتباه این اشعار را واسطه‌ای میان شعر پهلوی و شعر فارسی به حساب آورده است.^{۱۱} در پایان حکایت کیخسرو به فتح «در بند» به دست «تاتار دمرالله علیهم و علی الکافرین» اشاره شده است که برابر با سال ۶۱۸ است. همین امر سبب گردیده که تصور شود تاریخ نگارش تحفة الملوک دقیقاً برابر با این تاریخ است.^{۱۲} اما از آنجا که به الحاقی بودن این دو حکایت یقین داریم، نمی‌توانیم این تاریخ را برای نگارش تحفة الملوک یقین نماییم.



در متن تحفة الملوک به شخصیت‌هایی تاریخ اشاره شده و حکایتها و یا سخنانی به آنها نسبت داده شده است و در این بین، دو بیت سنایی آمده است (البته بدون ذکر نامی از وی) یک بیت از غزلیات او:

از دوست به هر جوری، افکار نباید شد

وز یار به هر جوری، بیزار نباید شد

و دیگر بیتی از حدیقة الحقیقه:

با بدان کم نشین که درمانی

خوب‌ذیرست نفس انسانی

از میان این شخصیتها کسی متأخرتر از سنایی یافت نمی‌شود. و از آنجا که سنایی احتمالاً در سال ۵۳۵ وفات کرده است^{۱۳} و اشعارش بسیار سریع رواج یافته و حتی در زمان حیاتش در متون دیگر شرح و تفسیر شده^{۱۴}، باید تاریخ تقریبی تصنیف تحفة الملوک اواخر قرن ششم و اوایل قرن

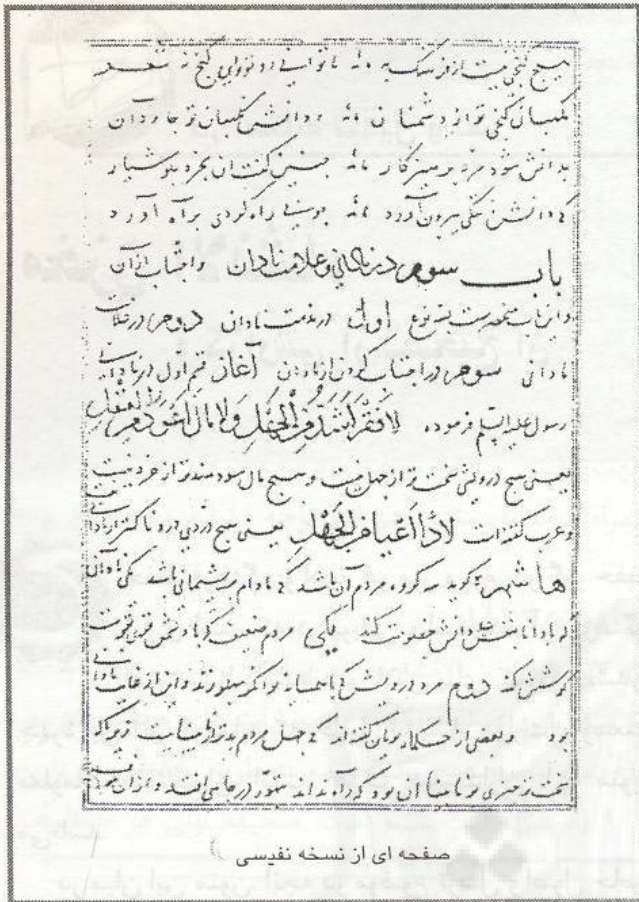
هفتم باشد.

از سال ۱۳۱۷ که تحفة الملوک به تصحیح تقی‌زاده به چاپ رسید، نوشته‌های بسیار و گوناگونی راجع به این کتاب انتشار یافت و هر کس درست یا نادرست بنا بر حدس و گمان سخنی گفت که همه اینها ناشی از نبود تصحیحی انتقادی از این کتاب ارزشمند بوده است، به همین خاطر تصحیح مجددی از تحفة الملوک ضروری به نظر می‌رسید.

اکنون که تحفة الملوک به همت مرکز نشر میراث مکتوب در آستانه چاپ و نشر قرار دارد، امید است این کتاب، که به تعبیر علامه محمد قزوینی «فوق العاده کتاب ممتع»^{۱۵} و بسیار بسیار مهم معتبر مفید دلکش سودمند»^{۱۶} و یا به تعبیر استاد نفیسی، «یکی از بزرگترین غنایم ادبی زبان فارسی و یکی از مهم‌ترین کشفیات در ادبیات قرن چهارم ایران است»^{۱۷} بعد از سالها در اختیار همگان قرار بگیرد و مصحح آنگونه که بایسته است، از عهده انجام کار برآمده باشد.

پی‌نوشتها

۱. آینده، سال یازدهم، شماره ۹-۱۰، آذر. دی ۱۳۶۴، «منظومه کهن فارسی در تحفة الملوک» سیامک گیلک، ص ۶۳-۶۶.
۲. نصیحة الملوک، تألیف امام محمد بن محمد بن محمد غزالی طوسی، با تصحیح مجدد و حواشی و تعلیقات و مقدمه تازه به خامه استاد جلال‌الدین همایی، انتشارات بابک ۱۳۶۱، ص صدور دوازده.
۳. معارف، دوره هفدهم، شماره ۳، آذر. اسفند ۱۳۷۹ (شماره پیاپی ۵۱)، ص ۹۴-۵۲.
۴. همان، ص ۵۶.
۵. اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، شارل هانری دوفوشه کور، ترجمه محمد علی امیر معزی، عبدالمحمد روح بخشان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹.
6. Journal of the Royal Asiatic society, sir, E Dension Ross, Rudaki And Pseudo Rudaki (october, 1924), P:638
۷. بنگرید به گنج بازیافته، گردآورده دکتر محمد دبیر سیاقی، ص ۵۵-۴۶؛ اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، ژیلبرلازار، ص ۱۲۷-۱۱۰؛ شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان، محمود مدبری، ص ۱۱۰-۹۱.
۸. تحفة الملوک، از روی نسخه خطی موزه بریتانی لندن، به اهتمام کتابخانه طهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۷.
۹. از افاضات شفاهی استاد احمد منزوی.



صفحه ای از نسخه نفیسی

۱۰. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تألیف محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱ ص ۴۴.
۱۱. آینده، سال دهم، شماره ۱۰ و ۱۱، دی و بهمن ۱۳۶۳ «دو منظومه فارسی قدیمی در تحفة الملوک»، تقی بینش، ص ۴-۷۰۱؛ همچنین بنگرید به آینده، سال یازدهم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۶۴ «دو منظومه کهن فارسی در تحفة الملوک»، سیامک گیلک، ص ۶۳-۶۶.
۱۲. بنگرید به نصیحة الملوک، مقدمه؛ همچنین بنگرید به نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هفتم، شماره دوم، آبانماه ۱۳۳۴، «چند کتاب خطی مهم فارسی در قونیه» ترجمه و تلخیص به قلم دکتر خیامپور، ص ۴۸۶.
۱۳. جستجو در تصوف ایران، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، ص ۲۴۶.
۱۴. همان، ص ۲۴۷.
۱۵. نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، چاپ اول، مردادماه ۱۳۵۴، ص ۳۰۸.
۱۶. همان، ص ۳۱۳.
۱۷. مجله ایران امروز، ج ۲، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۱۹، ص ۱۷.